دوشنبه ۱۰ دی ۱۴۰۳
شماره ۴۳۱۷
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

یک قاب فوق‌العاده از ایستادگی رئیس بیمارستان «عدوان» غزه در برابر صهیونیست‌ها بار دیگر جنایت‌کار بودن دارودسته نتانیاهو را فریاد زد

حماسه دکتر حسام

سیدمهدی طالبی
پژوهشگر حوزه بین‌الملل

در روزهایی که «بنیامین نتانیاهو»، نخست‌وزیر رژیم‌صهیونیستی در مراکز درمانی در حال آزمایش‌های پزشکی برای درمان سرطان خوش‌خیم خود بود، صهیونیست‌ها بیمارستان «کمال عدوان» در منطقه جبالیا در شمال غزه را تخلیه کردند؛ البته جنایت‌های او بی‌مکافات نیز نبوده و نخست‌وزیر رژیم از بیم حملات موشکی یمن که برای دفاع از مردم غزه صورت می‌گیرند، باید امروز (دوشنبه) در یک اتاق زیرزمینی تحت عمل جراحی قرار گیرد. دفتر رسانه‌ای دولتی در غزه اعلام کرده اشغالگران ۳۵۰ نفر از جمله ۱۸۰ کارمند و ۷۵ بیمار و همراهان آنها را در داخل بیمارستان کمال عدوان بازداشت و از بیمارستان خارج کرده‌اند.

صهیونیست‌ها تعدادی از بیماران را به همراه کادر درمان به مکانی نامعلوم منتقل کرده‌اند، اما همزمان ده‌ها بیمار با وضعیت وخیم، خود را به بیمارستان اندونزی در همان منطقه جبالیا رسانده‌اند. این بیمارستان نیز همانند بیمارستان کمال عدوان تحت فشار قرار داشته و آسیب‌های فراوانی دیده است.

آخرین تصاویری که از «حسام ابوصفیه»، رئیس مشهور و مقاوم این بیمارستان ثبت شده، بهت‌آور است. بافت مسکونی اطراف بیمارستان به طور کامل تخریب شده و ابوصفیه در حال گام برداشتن روی اجزای ساختمان‌های از بین رفته برای رسیدن به نفربرها و تانک‌های رژیم است؛ سندی تاریخی از رسوایی جامعه جهانی در توقف جنایت‌های یک رژیم.

چرا بیمارستان کمال عدوان؟ چرا مراکز بهداشتی؟

رژیم‌صهیونیستی در هدف قرار دادن شبکه درمانی نوار غزه به طور عمومی اهدافی در سر دارد. همچنین تخریب بیمارستان کمال عدوان ضمن اثرپذیری از سیاست عمومی رژیم در تخریب اجزای شبکه درمانی غزه، دارای اهداف و ویژگی‌های خاصی نیز بود. در ادامه نکاتی در این باره آمده است:

۱ بیمارستان کمال عدوان در شمال غزه واقع شده است که محل اجرای طرح بزرگ تل‌آویو در نوار غزه است. رژیم‌صهیونیستی به دنبال اخراج ساکنان شمال غزه است تا در این قسمت منطقه حائل ایجاد کرده یا در آن شهرک‌های صهیونیست‌نشین ایجاد کند. جمعیت این منطقه پیش از جنگ یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر بود. به دلیل استفاده از این منطقه برای حمله زمینی به مناطق صهیونیست‌نشین و پرتاب راکت، شمال غزه تبدیل به یکی از اولین و مهم‌ترین محورهای حمله زمینی رژیم‌صهیونیستی شد. سمت شمال همچنین به شهر غزه و مرکز نوار غزه نزدیک‌تر بود و می‌شد با حمله از آن جهت، زودتر به مرکز حکومت حماس دست یافت.

اگر دستور تخلیه بعدها به بسیاری از مناطق رسید، شمال غزه از همان ابتدا با اخطارهای پیاپی مواجه بود. در ماه‌های ابتدایی جنگ جمعیت این منطقه بسیار کاهش یافت و به ۷۰۰ هزار نفر و سپس به ۴۰۰ و ۳۰۰ هزار نفر کاهش یافت. از همان ابتدای جنگ، قصد رژیم برای تخلیه جمعیتی این منطقه به دلایل مختلف آشکار بود و تل‌آویو نیز پرده‌پوشی‌ای در این باره نداشت.

در دوره جدید، رژیم‌صهیونیستی به طور کامل دستور تخلیه شمال غزه را صادر کرده است. در پی کوچ اجباری مردم، جمعیت این منطقه از بیش از ۳۰۰ هزار نفر به ۷۵ هزار نفر کاهش یافته است؛ جمعیتی کنونی معادل ۶ درصد جمعیت اصلی شمال غزه است.

برای اخراج ساکنان، صهیونیست‌ها ارائه خدمات مدنی را در شمال محدود و در بسیاری موارد ممنوع کرده‌اند. از بین بردن شبکه بهداشت و تخریب بیمارستان کمال عدوان در چهارچوب صفر کردن خدمات مدنی برای تخلیه کامل شمال است.

با تخلیه کامل شمال غزه، یک منطقه حائل میان نوار غزه و شهرک‌های صهیونیست‌نشین در غلاف غزه ایجاد خواهد شد. همچنین برخی اخبار نشان می‌دهد تل‌آویو درصدد ایجاد شهرک‌های صهیونیست‌نشین در شمال و الحاق این منطقه به خاک خود است.

۲ در زمانی که مراکز درمانی همچنان در غزه فعالیت می‌کنند، فشارها و پیگیری‌های سازمان‌های جهانی برای تداوم فعالیت آن‌ها استمرار دارد. با از بین رفتن زیرساخت‌ها، به‌زعم صهیونیست‌ها زمینه‌های فشار هم از بین می‌روند. در فقدان زیرساخت‌های درمانی، سازمان بهداشت جهانی و سازمان ملل پرونده‌ای برای اعمال فشار رسانه‌ای و سیاسی علیه رژیم‌صهیونیستی نخواهند داشت و احتمال می‌رود ابزار بعدی، تأثیر کافی را نداشته باشد.

با از بین رفتن بیمارستان‌ها، سازمان بهداشت جهانی باید از رژیم درخواست کند که به صورت مستقیم دست به درمان برخی از بیماران خاص بزند. انتقال تعدادی از این بیماران به داخل سرزمین‌های اشغالی حتی می‌تواند به‌عنوان عامل تبلیغی به نفع تل‌آویو عمل کند. صهیونیست‌ها با توجه به هدفشان برای تخلیه شمال غزه و همچنین دورنمای استفاده از قضیه بیماران در این منطقه برای بهبود وضعیت خود در افکار عمومی، تمام هزینه‌های اشغال و تخریب بیمارستان کمال عدوان را قبول کردند. با این وجود به نظر نمی‌رسد آن‌ها بعدها بتوانند در افکار عمومی به دستاوردی برسند؛ هرچند احتمال ایجاد منطقه حائل در شمال با تخلیه جمعیت وجود دارد.

باید درنظر گرفت که ۷۵ هزار نفری که همچنان در شمال غزه باقی مانده‌اند، احتمالاً مقاوم‌ترین بخش از جمعیت این منطقه‌اند و نمی‌توان آن‌ها را به راحتی اخراج کرد. آن‌ها ۱۶ ماه در برابر دستورات و فشارها برای تخلیه این منطقه مقاومت کرده‌اند. این مقاومت به بهای زندگی دشوار، جراحت و کشته شدن بوده است.

۳ برخی از مراکز به نماد تبدیل می‌شوند و از بین رفتن آن‌ها به‌زعم عاملانش می‌تواند به بروز سرخوردگی در دشمن منتهی شود. بیمارستان کمال عدوان، مدیر و کارکنانش نمادهای مبارزه مردم غزه بودند. صهیونیست‌ها علاوه بر تمامی اهداف خود، با نابودی آن به دنبال نابودی یک نماد هم بودند. این بیمارستان علاوه بر درمان ساکنان غزه، قلب تپنده مقاومت مدنی مردم شمال بود. بیمارستان کمال عدوان همچنین نقشی پررنگ در عرصه رسانه‌ای برای رسوایی رژیم‌صهیونیستی ایفا کرد؛ موضوعی که حکایت از کینه‌توزی صهیونیست‌ها در تخریب آن دارد.

۴ مراکز درمانی و مراکز توزیع غذای محلی برای تجمع فعالان خارجی در غزه به حساب می‌آیند. ضربه به این مراکز زمینه فعالیت‌های سازمان‌یافته جهانی را در غزه از بین برده و زمینه‌ساز انزوای افزون‌تر این منطقه است. با خروج فعالان بین‌المللی از غزه، رژیم آزادی عمل بیشتری در غزه خواهد یافت.

۵ ضربه به مراکز درمانی غزه می‌تواند به افزایش تلفات در میان فلسطینی‌ها منجر شود؛ بدون آنکه تل‌آویو مجبور شود آن‌ها را با بمب یا گلوله از بین ببرد. این مسئله را می‌توان از جنبه‌های مختلف بررسی کرد. فقدان مراکز بهداشتی، مراقبت‌های مادران پیش از تولد فرزندان را کاهش می‌دهد که می‌تواند به سقط جنین یا مرده‌زایی بینجامد. همچنین نوزادانی که نیازمند مراقبت‌های ویژه‌اند، در فقدان وجود مراکز درمانی با مشکل مواجه شده و احتمال از دست دادن جانشان افزایش می‌یابد. شاید برخی از خانواده‌ها به دلیل چنین مشکلاتی تصمیم بگیرند بچه‌دار نشوند. در یک جنبه دیگر، نبود سیستم درمانی می‌تواند به کاهش عمر شدید بیماران منجر شود. بیماران سرطانی، بیماران کلیوی و کهنسالان ضربات زیادی از این مسئله می‌خورند.

بذرهایی که تل‌آویو می‌کارد

۱ یکی از دلایل نحوه عجیب مقابله با رژیم‌صهیونیستی، موجودیت عجیب و رفتارهای عجیب آن است. رژیم‌صهیونیستی از جمع‌آوری صهیونیست‌ها و دیگر اقوام و مذاهب از ده‌ها کشور جهان تشکیل شده است. این جمعیت، در سرزمینی ساکن شده‌اند که دارای ملتی تاریخی است.

از سوی دیگر، صهیونیست‌ها با وجود تشکیل دولت مربوط به خود آرام نشده و به دنبال بلعیدن سرزمین‌های بیشتری‌اند. آن‌ها برای این اقدام دست به عجیب‌ترین جنایت‌ها می‌زنند. کشتار ۴۵ هزار نفر در غزه که عمده آنان را کودکان و زنان تشکیل می‌دهد، نمونه شگفت‌آوری از جنایت در قرن بیست‌ویکم است. اساساً همین جنایت‌های تعجب‌برانگیز رژیم‌صهیونیستی هستند که به فلسطینی‌ها مشروعیت انجام عملیات‌های شهادت‌طلبانه را داده‌اند. به آتش کشیدن و تخریب بیمارستان کمال عدوان پدیده‌ای نیست که صهیونیست‌ها با اجرای آن بتوانند هراس افکنی یکجانبه کرده و صرفاً از مزایای آن بهره ببرند، بلکه این پدیده خود منجر به تشدید خشونت علیه آن‌ها خواهد شد.

۲ تهدیدات بزرگ علیه رژیم‌صهیونیستی عمدتاً پس از موفقیت‌های عمده آن به دست آمده‌اند. صهیونیست‌ها پیش از تأسیس رژیم‌صهیونیستی موفق شده بودند چه در دوره عثمانی و چه پس از فروپاشی آن، در تعداد بالا وارد سرزمین فلسطین شوند. این سرزمین به‌عنوان محل زندگی امن آنان به شمار می‌رفت. هنگامی که آن‌ها تصمیم گرفتند رژیم‌صهیونیستی را تأسیس کنند، بلافاصله درهای آتش را هم به روی خود باز کردند. صهیونیست‌ها در سال تأسیس خود ۵۰۰ هزار فلسطینی را با کشتار و جنایت مجبور به خروج از سرزمین‌های موسوم به ۱۹۴۸ کردند.

در نتیجه این اقدام مقاومت فلسطینی، عربی و اسلامی علیه آن‌ها شدت گرفت و امنیت صهیونیست‌ها در فلسطین از بین رفت. تأسیس رژیم‌صهیونیستی تحول چندانی در زندگی صهیونیست‌های ساکن‌شده در سرزمین فلسطین ایجاد نکرد جز آنکه از کیفیت آن کاست و امنیت را سلب کرد. پیروزی صهیونیست‌ها بر کشورهای عربی و تحقیر مسلمانان در جنگ‌های پیاپی، یکی از پیشران‌های قدرتمند در انقلاب اسلامی ایران بود. پیروزی‌های قاطع رژیم‌صهیونیستی بر کشورهای عربی در سال ۱۹۶۷ یک مقطع مهم بود. تل‌آویو با حمله‌ای پیش‌دستانه ائتلاف کشورهای عربی را شکست داده و وسعت سرزمین‌های تحت اشغال خود را چندبرابر کرد. صهیونیست‌ها در جنگ سال ۱۹۷۳ هم علی‌رغم غافلگیری در نهایت به برتری رسیدند. تحقیر کشورهای اسلامی و تضعیف قضیه فلسطین خشم مردم ایران را برانگیخت و موجب تشدید تحرکات انقلابی آنان شد. به‌طور طبیعی این انقلابیون باید بر ظلم و ستم‌های شاه وقت و سیستم او متمرکز می‌شدند؛ اما صهیونیست‌ها نیز در مرکز هدف‌گیری آنان قرار گرفتند. رهبران انقلاب اسلامی از سال‌ها قبل از پیروزی از قضیه فلسطین برای آگاهی‌بخشی به مردم و بسیج از آنان بهره می‌گرفتند. حتی بسیاری از انقلابیون کسانی بودند که براساس احساس وظیفه به گروه‌های مبارز علیه رژیم‌صهیونیستی پیوسته و در کشورهای لبنان و سوریه سکونت داشتند.

بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دو اقدام انقلابیون یکی تبدیل سفارت غیررسمی رژیم‌صهیونیستی در تهران به سفارت رسمی فلسطین و دومی قطع روابط سیاسی با دولت انور سادات بود که در قرارداد کمپ دیوید با تل‌آویو صلح کرده بود. هنگامی که سادات ترور شد، خیابانی در تهران به نام فردی که وی را کشت، نام‌گذاری شد. شدت ضدصهیونیستی بودن به همراه بروز سریع و شدید آن، درحالی‌که جامعه آن روز ایران درکی موجودیتی و ارضی از تحرکات رژیم‌صهیونیستی نداشت، آشکارکننده نقش زیان‌بار پیروزی‌های تل‌آویو بر قاهره است؛ جایی که یک پیروزی دشمنی راهبردی آفرید.

هجوم سنگین رژیم‌صهیونیستی به لبنان در سال ۱۹۸۲، یک دشمن آفرینی بزرگ دیگر بود. فتح سریع لبنان و پایتختش برای تل‌آویو به بهای ظهور «مقاومت لبنان» تمام شد؛ گروهی که چندی قبل صهیونیست‌ها با ارتش کلاسیک خود شامل ۴۰۰ جنگنده و هزاران تانک، مجبور شد بدون دستاوردی طولانی‌مدت با آن آتش‌بس کند.

آیا توجه افکار عمومی به فلسطین کاهش یافته است؟

تخریب بیمارستان کمال عدوان اتفاق بزرگی بود؛ اما نسبت به وقایع مشابه در طول جنگ، کمتر باعث ایجاد جنجال‌های ملموس در افکار عمومی شد. این اتفاق دلایلی دارد:

۱ تردید نسبت به نتایج اثرگذاری بر دولت یا اثرگذاری دولتی

به مرور از میزان حساسیت ظاهری افکار عمومی به جنایت‌های رژیم‌صهیونیستی کاسته شده است؛ اما سؤال آنجاست که چرا هم‌زمان با کاهش تظاهرات‌ها میزان ضدیت با تل‌آویو در حال افزایش است؟ این پدیده نشان می‌دهد افکار عمومی تنها از مظاهر قابل مشاهده اعتراضی عدول کرده اما خشم درونی از صهیونیست‌ها همچنان در حال گسترش است. مردمی که در سراسر جهان و به‌ویژه غرب علیه جنایت‌های رژیم‌صهیونیستی راهپیمایی می‌کردند و مسئولانی که به دولت خود فشار می‌آوردند، همه معتقد بودند اقداماتشان می‌تواند دولت‌های غربی را به تحرک وادار کند. با بی‌نتیجه بودن این مسئله اما به نظر می‌رسد آن‌ها حیرت‌زده به دنبال مسیرهای دیگر هستند. افکار عمومی غربی می‌دانند یا دولت‌هایشان از اعتراضات آن‌ها در قضیه فلسطین اثر نمی‌پذیرد یا آنکه اگر هم اثر بپذیرند، قادر به فشار علیه رژیم‌صهیونیستی و توقف جنگ نیستند. باید منتظر ماند و دید این تحول و خشم پنهان‌شده در قلوب و اذهان به چه اشکال دیگری بروز خواهد یافت.

۲ رسوب تحولات دیگر

چندین تحول مهم باعث شده تا قضیه فلسطین در میان اخبار مدفون شوند. افکار عمومی اروپا و دولت‌های قاره‌سبز نگران ترامپ هستند. گزارش‌های رسانه‌ای ادعا دارند اروپایی‌ها تهدید ترامپ را از چین و روسیه برای خود خطرناک‌تر می‌دانند؛ زیرا او خطری در داخل خانه غرب است. در جهان اسلام نیز تحولات مهمی در جریان است. سقوط سوریه و ایفای نقش ترکیه در آن موضوعی مهم و دارای تبعات گسترده بود. قضیه سوریه تنها به ایران، محور مقاومت یا ترکیه و رژیم‌صهیونیستی مربوط نبود. ضمن وزن بسیار زیاد این بازیگران و دنباله‌های اتحادی‌شان، بازیگران متعدد دیگری به قضایای سوریه مربوط و از آن متأثرند. متأسفانه سقوط سوریه باعث فریب بخشی از اسلام‌گرایان شد. از نظر رسانه‌ای جشن و ابراز خوشحالی جریانات اسلام‌گرای وابسته به اخوان‌المسلمین آن هم در میانه عزای غزه و فلسطین، ضربه‌ای بزرگ به تحولات جنگ بود.

۳ کشتار پراکنده به جای کشتار متراکم

صهیونیست‌ها مدتی است از سرعت کشتار خود کاسته‌اند. این درحالی بود که در طول جنگ همواره تعداد کل شهدا و تعداد شهدا در هر عملیات، رکورد می‌زدند. تا ۲۳ آوریل سال ۲۰۲۴، در هفتمین ماه و دویستمین روز جنگ، تعداد شهدا به ۳۴ هزار نفر رسیده بود. این درحالی است که ۸ ماه پس از آن تاریخ، تعداد شهدا در ۲۸ دسامبر (روز گذشته)، به ۴۵ هزار نفر رسیده است که ۱۱ هزار نفر بیشتر از ۲۳ آوریل است؛ ۳۴ هزار نفر شهید در ۷ ماه اول جنگ و ۱۱ هزار شهید در ۸ ماه دوم.

صهیونیست‌ها با درس گرفتن از تبعات کشتارهای اولیه خود به جای جنایت با بمباران به دنبال کشتار تدریجی مردم غزه‌اند. با این حال سیاست جدید تل‌آویو به معنای توقف حمایت‌هایش نیست. بلکه رژیم تنها نقطه ثقل جنایت‌هایش را به کشتار از مستقیم به غیرمستقیم منتقل کرده و در موارد مستقیم هم با احتیاط و هوشمندی بیشتر عمل می‌کند.

۴ جلب توجهات به خطر گسترش جنگ و نبرد تمدنی

با گسترش حملات رژیم‌صهیونیستی به کشورها و دولت‌های منطقه، خطر گسترش جنگ و کشیده شدن ابرقدرت‌ها به آن، توجه از وضعیت ساکنان غزه به این مسئله کشیده شده است. این مسئله همان‌گونه که صداهای ضدجنگ را در کشوری مانند عراق بلند کرده در میان دیگر کشورها از جمله کشورهای غربی نیز مؤثر بوده است. رژیم‌صهیونیستی کوشیده با گسترش جنگ، خود را بخشی از جبهه مدافع غرب در برابر جهان اسلام و قدرت‌های شرقی بازنمایی کند. از این رو منتقدان رژیم که در میان آن‌ها یهودیان و حتی صهیونیست‌ها نیز یافت می‌شدند، تصمیم گرفتند سکوت کنند.

حسام ابوصفیه کیست؟

آخرین تصویر از دکتر «حسام ابوصفیه»، رئیس بیمارستان کمال عدوان پیش از بازداشت بسیار تأثر برانگیز است. او تنها و با لباس سفید پزشکی که گرد ۱۵ ماه خدمت صادقانه در سخت‌ترین شرایط را بر روی خود دارد، درحال برداشتن آخرین گام‌ها بر روی خاک غزه است؛ او چند متر با دو نفر بر صهیونیست فاصله دارد.

قاب تصویر، دریچه‌ای آخرالزمانی را از پنجره‌های بیمارستان به تصویر می‌کشد؛ بیرون از بیمارستان همه جا ویرانی به چشم می‌خورد.

منیر البرش، مدیر بهداشت غزه به رسانه‌ها گفته ابوصفیه پیش از بازداشت به شدت مورد ضرب و شتم نظامیان صهیونیست قرار گرفت.

پایداری ابوصفیه برای ۱۵ ماه، نماد و مصداقی از شکست‌های رژیم در غزه بود. جنایت‌های رژیم نتوانسته بودند او را از خدمت به مردم بازدارند؛ درحالی‌که ابوصفیه در بیمارستان کمال عدوان ریاست می‌کرد، سخن گفتن از تغییر حکومت یا اشغال غزه مضحک به نظر می‌رسید.

بیمارستان کمال عدوان به عنوان بزرگترین بیمارستان شمال غزه در جریان جنگ، تنها با دو پزشک فعالیت می‌کرد که ابوصفیه رئیس این بیمارستان، یکی از آن‌ها بود. همراه این دو پزشک چند پرستار نیز همچنان باقی مانده بودند.

دکتر ابوصفیه برای پایداری در بیمارستان، هزینه‌هایی زیادی داده بود. او بارها مجروح و حتی در یک نوبت نیز بازداشت شد. در آبان ماه اما نظامیان صهیونیست در جریان محاصره سه روزه بیمارستان و یورش به آن، پسر ۱۲ ساله وی را نیز به شهادت رساندند.

ابوصفیه در چنین وضعیتی خود بر پیکر فرزندش نماز خواند و او را در کنار دیوار بیمارستان به خاک سپرد.

قمار دوسرباخت جاستین ترودو

جاستین ترودو، نخست‌وزیر کانادا روزهای دشواری را سپری می‌کند. نارضایتی‌های داخلی از دولت کانادا به دلیل ضعف اقتصادی دولت کاهش یافته و محافظه‌کاران رقیب نخست‌وزیر، در تلاشند با استناد به حمایت‌های خاص دونالد ترامپ رئیس‌جمهور جدید آمریکا، دولت و پارلمان را تصاحب کنند. مسلم است که تیم جدید کاخ‌سفید از زمان استقرار خود در قدرت، تلاش‌های علنی‌تری را در تقابل با دولت ترودو صورت خواهند داد. بازگشت جمهوری‌خواهان به کاخ‌سفید بدترین خبر ممکن برای نخست‌وزیر کانادا و همراهانش محسوب می‌شود، خصوصاً آنکه ترامپ در حالی هنوز رسماً در مسند قدرت حضور ندارد، شمشیر را برای اتاوا و ترودو از رو بسته است!

سه اقدام ترامپ علیه دولت کانادا

رئیس‌جمهور جدید و منتخب آمریکا در پیام سال نوی میلادی خود مدعی شده که کانادا می‌تواند به یکی از ایالات آمریکا تبدیل شود تا از تبعات ناشی از بحران‌های اقتصادی مصون باشد! به عبارت بهتر، ترامپ در گام نخست کلیت مالکیت و حاکمیت سرزمینی کانادا را به چالش کشیده تا بتواند در سایه این فرامتن تهدیدآمیز، امتیازات ویژه‌ای از اتاوا دریافت کند.

ماجرا به این نقطه ختم نمی‌شود! ترامپ تهدید کرده که بزرگ‌ترین اخراج مهاجران را در طول تاریخ آمریکا رقم خواهد زد. سؤال اصلی اینجاست که تبعات این تصمیم در آمریکای شمالی و در روابط دوجانبه واشنگتن- اتاوا چگونه تبلور پیدا خواهد کرد؟ کانادا نگران است این اقدام باعث شود مهاجران به سمت شمال و مرز ۸۸۹۱ کیلومتری میان دو کشور هجوم بیاورند. ترامپ در مقابل، مدعی شده که این مسئله (نگرانی کانادایی‌ها) ارتباطی با وی ندارد و دولت جدید آمریکا صرفاً روی سیاستگذاری‌های سلبی جدید در قبال مهاجران ساکن این کشور تمرکز خواهد کرد. به عبارتی بهتر، ترامپ گسیل ساختن میلیون‌ها مهاجر غیرقانونی به سوی کانادا را تأیید کرده است.

سومین تهدید ترامپ علیه اتاوا، معطوف به پیمان‌های اقتصادی مشترکی است که به صورت خاص در قالب توافق نفتا، میان سه کشور آمریکا، کانادا و مکزیک (پیمان تجارت آزاد آمریکای شمالی) بسته شده است. ترامپ مدعی شده که از اولین روز بازگشت به قدرت، تعرفه‌ای ۲۵ درصدی بر محصولات وارداتی از کانادا و مکزیک اعمال خواهد کرد، تا زمانی که این کشورها اقدامات لازم برای جلوگیری از مهاجرت غیرقانونی به ایالات متحده آمریکا را انجام دهند! حتی رئیس‌جمهور جدید آمریکا مشخص نکرده که این سیاست‌های ادعایی چیست و اتاوا دقیقاً برای جلب رضایت دولت وی باید چه گام‌هایی را بردارد! قدر متقن ماجرا این است که ترامپ چشم به مداخله‌گرایی آشکار و پنهان جهت تغییر دولت کانادا و شکل‌گیری یک دولت همسو دوخته و هیچ‌گونه امتیازدهی و اقدامی از سوی نخست‌وزیر کنونی این کشور همسایه، وی را راضی نخواهد کرد.

لغزندگی دولت کانادا

بازگشت ترامپ به کاخ‌سفید و خط و نشان‌هایی که وی در تقابل سرزمینی، مهاجرتی و اقتصادی با اتاوا کشیده در حالی رخ می‌دهد که نارضایتی از رهبری جاستین ترودو به‌عنوان نخست‌وزیر افزایش یافته و اکنون ۶۷ درصد از کانادایی‌ها از او ناراضی هستند. پیر پولیور، گزینه ترجیحی برای نخست‌وزیری کاناداست. پولیور به جریان راست افراطی (محافظه‌کار تندرو) در اتاوا وابسته بوده و سیاست‌های مهاجرتی وی به طور طبیعی بر اساس همپوشانی حداکثری با دولت ترامپ شکل خواهد گرفت. نظرسنجی‌ها در کانادا نشان می‌دهد. تنها ۳۳ درصد از شهروندان این کشور عملکرد دولت ترودو را تأیید می‌کنند. پیر پولیور در میانگین آخرین نظرسنجی‌ها، با کسب ۴۵ درصد آرا همچنان انتخاب برتر کانادایی‌ها برای نخست‌وزیری است. مسائل اقتصادی اولویت مهم کانادایی‌ها برای تمرکز اعضای پارلمان در مجلس آینده است.

برخی تحلیلگران می‌گویند شدت حملات ترامپ به کانادا در صورت تغییر دولت ترودو تغییر خواهد کرد. روابط گرم ترودو با دموکرات‌های آمریکا سبب شده تا رئیس‌جمهور جدید آمریکا یکی از اصلی‌ترین اهداف پیرامونی خود را بر مبنای تغییر دولت اتاوا و تبدیل آن به یک «متغیر وابسته مطلق به واشنگتن» شکل دهد. در این میان، ترودو از یک سو مدعی شده که جهت رفع نگرانی‌های ترامپ اقداماتی را در تعامل با واشنگتن صورت خواهد داد و از سوی دیگر، مسجل است که این اقدامات منتج به تغییر نقشه راه سیاسی واشنگتن در اتاوا و زمینه‌سازی تیم سیاست خارجی ترامپ جهت واگذاری قدرت به محافظه‌کاران کانادایی نخواهد شد. ترودو قمار دوسرباختی را تحت تأثیر شرایط کنونی در واشنگتن کلیدزده که در هیچ شرایطی، منجر به خروج دولت وی از بحران و بقای وی در رأس معادلات سیاسی و اجرایی اتاوا نخواهد شد. بی‌دلیل نیست که تحلیلگران مسائل آمریکای شمالی، مرگ سیاسی ترودو و پایان قدرت‌نمایی وی در رأس هرم قدرت اجرایی در کانادا را قطعی تلقی می‌کنند.